

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: ۰۰۳۵۸ ۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E-mail: abdolgolparian@gmail.com

ایسکرا ۶۴۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۹ مهر ۱۳۹۱، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۲

سرمدییر عبدال گلپریان

بازخوانی تاریخ جدائی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران میزگرد ایسکرا با محمد آسنگران، عبدال گلپریان و نسان نودینیان (بخش ششم)

جدائی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران، به مناسبت‌های مختلف به گرایش‌های مختلف درون حزب کمونیست ایران اشاره کرده ایم. به نظر من گرایش میانه و یا آنچه ما به آن "سانتر" می‌گفتیم، ضمن اینکه بعنوان یک گرایش که در "وحدت" تشکیلاتی ابراز میشد وجود داشت، اما هیچوقت دارای پلاتفرم سیاسی و

صفحه ۲

ایسکرا: واضح است که تاریخ بازخوانی جدائی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران را نمی شود در یک مصاحبه چند قسمتی بطور همه جانبه مورد بررسی قرار داد. اما دوست دارم فعلا این بحث را با نگاهی به موقعیت کنونی گرایش‌های آنزمان در تشکیلات کردستان حزب کمونیست ایران به پایان ببریم. موقعیت سه گرایش کمونیسم کارگری، گرایش میانه و

گرایش ناسیونالیستی، بعد از ۲ دهه از اختلافات اولیه در حزب کمونیست ایران را، امروز چگونه می بینید و چگونه ارزیابی می کنید؟
تقابل و تمایزات گرایش میانه (سانتر) با کمونیسم کارگری از چه دوره ای شروع و به چه شکلی ابراز وجود میکرد؟
نسان نودینیان: در ۵ بخش منتشر شده بازخوانی مجدد

مردم تهران علیه فقر و جمهوری اسلامی پیاخاستند



روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه هزاران نفر از مردم تهران دست به تظاهرات زدند و علیه فقر و جمهوری اسلامی شعار دادند. در مشهد و تبریز و اسلام شهر نیز تجمعات اعتراضی علیه اوضاع فلاکتبار

کنونی شکل گرفته است. در تهران تظاهرات از بازار شروع شد اما بلافاصله هزاران نفر از مردم خشمگینی که زیر فشار فقر و گرانی جان به لبشان رسیده است، به

صفحه ۲

بیانیه کانون دفاع از حقوق کودکان ایران به مناسبت روز جهانی کودک



سپری کنند و زمانی که سن شان به ۱۸ سال رسید حلق آویز شوند کم نیستند از همین کودکانی که جسم و جانشان در دوران کودکی مورد

صفحه ۶

در کشور ما کودکان از فقر و فلاکت تبعیض و نابرابری رنج می برند هزاران کودک از نقطه مرزی تا زیرزمین های نم دار تا کارگاه ها تا کوچه و بازار شهر به کار وادار می شوند هزاران کودک بی پناه و خیابانی که شب هایشان را هم بر روی کارتن ها در گوشه و کنار خیابان ها سپری می کنند کم نیستند از همین کودکان که به جرم بزه کار راهی زندان شده اند تا روزهای زندگی شان را در آنجا

سه شنبه ۱۸ مهر ماه سال ۱۳۹۱ کودکان و نوجوانان از محروم ترین و بی حقوق ترین بخش های جامعه هستند در جای جای دنیای امروز کودکان قربانیان بی دفاع در برابر فقر، جنگ، آوارگی و بیخانمانی هستند دنیایی که برای کودکان جز تباهی و سیاهی، جز رنج و سختی، جز فقر و گرسنگی، جز بهره کشی و آزار و تحقیر چیز دیگری به ارمغان نیاورده است.

تجمع خانواده های محکومین به اعدام در مقابل محل سکونت خامنه ای "بیت رهبری"

به خانواده ها گفته اند، چهارشنبه هفته آینده برای گرفتن نتیجه اعتراض خود به بیت رهبری بروند. چهارشنبه هفته آینده روز جهانی علیه اعدام است! این يك حرکت اعتراضی مهم است و نوك حكومتي را نشانه گرفته است که با اعدام و جنایت سرپا مانده است و در صدد است تعداد هر

چه بیشتری را قربانی کند. يك هفته مانده به ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام، خانواده های بیست محکوم به اعدام که فرزندان و عزیزان آنها متهمین مواد مخدر هستند و حکومت اسلامی آنها را به اعدام محکوم کرده، در مقابل خانه خامنه ای "بیت رهبری" تجمع کرده

صفحه ۳

مراسمهای متنوع و باشکوه روز جهانی کودک در سنج و تهران

زندگی نامه من (بخش سی و پنجم) / سهیلا شریفی

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران
بار دیگر دادگاهی شدند

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شیشه هایش شکسته بوده است. موقعی که نیروهای سرکوب بطرف تظاهرات کنندگان حرکت کردند مردم شعار میدادند تترسید تترسید ما همه با هم هستیم. در جریان تظاهرات روز چهارشنبه تعداد قابل توجهی از مردم دستگیر شدند و بسیاری از موبایل های مردم نیز توسط اوپاش رژیم ضبط شد.

تظاهرات تهران شروع فوران خشم مردمی است که از فقر و گرانی کارد به استخوانشان رسیده است. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه توان آنرا دارد که مشکلات عظیم اقتصادی مردم را تخفیف دهد. استیصال حاکم بر حکومت، باندهای مختلف آنرا نیز به جان هم انداخته و هر کدام علت مشکلات را به گردن دیگری می اندازد و علیه دیگری افشاگری میکند.

حزب کمونیست کارگری مردم تهران و سراسر کشور را به تداوم و گسترش اعتراض علیه فقر، گرانی، بیکاری، فساد و تبعیض و بیحقوقی و علیه جمهوری اسلامی که مسبب این وضعیت است فرامیخواند.

آزادی، برابری،
حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد
جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مهر ۱۳۹۱
۳ اکتبر ۲۰۱۲

کمونیسم کارگری بوجود بیآورد. گرایش میانه در دل این پروبلماتیک سیاسی - عملی بی حرف بود. سکوت میکرد و تحت عنوان اینکه "ما انتخاب خود را کرده ایم" بر یک واقعیت و نیاز مبرم سیاسی نقطه ابهام میگذاشت و این تلاشها را عملاً کمرنگ میکرد.

ایسکرا: موقعیت گرایش "سانتر" در حزب کمونیست ایران به نظر شما تغییر کرده است؟

نسان نودینیان: ببینید تاریخا

تظاهرات پیوستند و علیه گرانی و فقر و علیه جمهوری اسلامی و سران جنایتکارش شعار دادند.

طبق گزارشی که به حزب رسیده است تظاهرات از بازار به سرعت به مناطق ناصر خسرو، جمهوری، مترو سعدی، فردوسی، میدان امام خمینی و توپخانه گسترش یافت. بتدریج تعداد مردم بیشتر شد و در ساعات پایانی آن جمعیت به بیش از پانزده هزار نفر رسید. طبق این گزارش مردم بسیار شجاعانه و بی باکانه شعار میدادند: مرگ بر گرانی،

مرگ بر گرانفروشی، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، انرژی هسته ای نمیخوایم نمیخوایم، مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر خامنه ای. خطاب به احمدی نژاد نیز شعار میدادند: احمدی به هوش باش، ما مردمیم نه اوپاش. مردم همچنین علیه بانک ملی و صادرات شعار میدادند.

تعداد زیادی از یگانهای ضد شورش و لباس شخصی های سپاه و وزارت اطلاعات در اطراف تظاهرات مستقر شده بودند و تلاش میکردند با گاز اشک آور و تیراندازی هوایی مردم را متفرق کنند اما مردم با آتش زدن سطل آغشال ها دست به مقابله زدند و به تظاهرات خود ادامه دادند. مردم به طرف نیروهای سرکوب سنگ پرتاب میکردند و خبرنگار ما میگوید که چندین ماشین نیروهای انتظامی را دیده است که

تکامل جنبش کمونیستی باشد شروع شده بود. خصلت مشخصه حزب کمونیست از بدو تشکیلش رضایت ندادن به "حفظ" وضع موجود و جا خوش کردن بود. کمونیسم کارگری تبیین کننده این چهارچوب بود. این گرایش با تبیین روشن از اوضاع سیاسی و موقعیت کمونیسم و اعتراضات کارگری این بود که این گرایش را جایگزین دستگاه فکری و عملی، ضد پوپولیستی بکند. و میخواست آن اندازه همدلی، همسوئی و احساس حقانیت را که در دوره مبارزه ضد پوپولیستی وجود داشت اینبار حول

علنی اعلام نتایج کنگره های ۶ و ۵ بود.

با برگزاری کنگره سوم حزب کمونیست ایران سانتر از قالب تاکنون موجود خود بیرون می آید. کنگره سوم حزب کمونیست ایران حول کمونیسم کارگری و اوضاع حساس و تعیین کننده بین المللی بود. مساله محوری این بود که حزب کمونیست ایران هنوز ادامه خطی دوره گذشته بود. با وجود تمام تغییراتی که در چارچوب فکری و عمل سیاسی صورت گرفته بود. اما ما هنوز انتهای رادیکالیزاسیون جنبش ضد پوپولیستی بودیم. تا مقطع کنگره سوم حزب کمونیست ایران هنوز محصول جنبش ضد خلق گرائی بودیم. تا وقتی پوپولیسم زنده بود، نیروی نقد کننده همسو، هم خط، پر انرژی و فکور عمل میکردیم. با شکست پوپولیسم منتقدش هر اندازه و هر قدر هم که منسجم و سیستماتیک بود به حاشیه میرفت.

و حرف زیادی برای گفتن و کار زیادی برای کردن نداشت. از این مقطع بعد تفاوتهای فکری - سیاسی بیشتر از هر دوره ای برجسته میشود. بحث کمونیسم کارگری تلاشی بود که حزب کمونیست ایران از این چارچوب بیرون بیاید. و به جا خوش کردن در قالبهای داده شده تسلیم نشود. روش و عمل حزبی - سیاسی که گرایش سانتر به آن چسبیده بود. تکاپو و راه های عملی - سیاسی تلاش هر روزه کمونیسم کارگری بود. میگفتیم جنبش ضد پوپولیستی به ما رهبران، ساختمان تشکیلاتی، کادرها، مشغله ها و سازمانهایی را داده است، این مکانیسم ها کار خود را کرده اند و تا آن مقطع خیر خود را رسانده بودند. کمونیسم کارگری میخواست با نقشه ای آگاهانه بر اساس تئوری های مارکس و انطباق با اوضاع جهانی از این فراتر برود. در عوض سانتر به وضعیت تاکنونی رضایت میداد. و حاضر نبود از "حفظ وضع موجود" فراتر برود. از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران تا دوره جدید حدود پنج سال میگذشت تلاش برای پیدا کردن چهارچوب فکری و سیاسی که بتواند پاسخگوی نیازهای زمان ما و رشد ما و

میشدند، در موقعیت مناسبی برای ایجاد حزب قرار داشتند. تا این مقطع هنوز ما تمیلاتی که در قامت سانتر ابراز وجود کند را شاهد نبودیم. همچنانکه اشاره شد، آن گرایشی که بعدها بعنوان سانتر ابراز وجود کرد، از بدو تشکیل حزب فاقد پلاتفرم بود، سکوت میکرد و با هر پیشروی و موفقیتی که به "وحدت" تشکیلات کمک میکرد، خوشحال بود.

به نظر من در یک مقطع مهم سیاسی گرایش سانتر در شکل سکوت و بی حرفی مطلق به نسبت هر دوره ای قابل لمس و ارزیابی بود، آنهم در جریان جنگ کومه له با حزب دمکرات. عبدالله مهتدی در آندوره فکر، ایده و تئوری خود را علنا در نشریات حزب ابراز و برایش کار میکرد. جنگ کومه له و دمکرات را از زاویه سه قدرت برای حاکمیت در کردستان ارزیابی میکرد. و به همین دلیل به قطعنامه پیشنهادی منصور حکمت، آتش بس یک طرفه رای نداد. در همین مقطع بود که گرایش کمونیسم کارگری بر آنتی کمونیسم و ضد آزادی بیان و عقیده حزب دمکرات پافشاری کرد و با موفقیتهای نظامی و حمایت مردم از کومه له در مقابل حزب دمکرات که در شکل قطعنامه های حمایتی در شهر و روستاها منتشر میشد، و با عقب نشینی حزب دمکرات از مواضع هیستریک و شکست سیاستهای قطعنامه آتش بس یک جانبه را در کنگره ششم به این کنگره پیشنهاد کرد. گرایش سانتر و یا میانه در جریان این مباحث دنباله رو و یا بعبارت درستتر به کمونیسم کارگری و منصور حکمت نزدیک بود. پایان جنگ با حزب دمکرات و حفظ تشکیلات برایش مهم بود. از قطعنامه آتش بس یک جانبه هم در همین راستا حمایت میکرد.

در مقطع کنگره های ۶ و ۵ کومه له این گرایش همچنان دنباله رو و بعبارتی دیگر طرفدار جهت و نقشه های سیاسی - پراتیکی کمونیسم کارگری بود. در تدقیق و یا مخالفت قطعنامه های این کنگره ها تأثیری نداشت. بدلیل موقعیت تشکیلاتی و حزبی شخصیتهای شاخصی از جمله رفیق ابراهیم علیزاده سخنگوی

جهت داری که بتواند حرف نهایی را بزند، ابراز وجود سیاسی نکرده است. این گرایش آندوره در قامت "حفظ" تشکیلات و یک نوع "وحدت" طلبی وجود داشت. در هیچ شرایطی صاحب هژمونی سیاسی بالایی که بتواند نیرو جابجا کند و در صف بندی جناحهای درونی حزب به وزنه ای سیاسی و با اتوریته تبدیل شود، ظاهر نشد. شخصیتهای شاخص این نوع بوجون(سانتر) در رهبری بالای حزب بودند که به نظر من در خط سیاسی و جانبداری کمونیستی در سطح سراسری به گرایش کمونیسم کارگری و منصور حکمت تمایل داشتند. این گرایش چپ را نمایندگی میکرد. موقعیتی دوگانه بلحاظ سیاسی داشت. ضمن جانبداری از کمونیسم و چپ در عین حال در ارتباط با مسائل کردستان و نیروها و احزاب کردی در ایران و عراق به خط و گرایش ناسیونالیستی نزدیک بودند. موقعیت احزاب کردی و در "قدرت" قرار گرفتن آنها در بجهوه بحران خلیج و تبدیل شدن آنها به "دولت" و ایجاد "پارلمان" تحت عنوان "دولت کرد" گرایش سانتر را به سمت سمپاتی به آنها جلب میکرد. برای ارائه تصویری روشن تر از موقعیت گرایش سانتر من مجبورم به چند مقطع تاریخی و مهم در حیات سیاسی - تشکیلاتی حزب کمونیست ایران اشاره ای کوتاه داشته باشم.

در پروسه ایجاد و تشکیل حزب کمونیست ایران گرایش ناسیونالیستی تحت تاثیر تبلیغات حزب دمکرات کردستان ایران و چپ پوپولیستی مخالف تشکیل حزب بود. هر چند که مطلقاً قوی نبود. و هنوز پلاتفرم و برنامه ای مشخص نداشت. یک گرایش کاملاً ضعیف و در حاشیه بود. سیر رو به رشد کومه له و محبوبیت او در شهرها، وجود صدها کادر کمونیست محصول بیش از یک دهه مبارزه انقلابی و کمونیستی از قبل از قیام ۵۷ ساختار سیاسی و تشکیلاتی کومه له را شکل میداد، که خود عاملی زنده در مقابل رشد ناسیونالیسم بود. در بطن این موقعیت است که گرایش "مارکسیسم انقلابی" و سازمان اتحاد مبارزان کمونیست که در آن سالها به جریان سهند شناخته

از صفحه ۲ بازخوانی تاریخ جدائی کمونیسم کارگری...

از صفحه ۱ تجمع خانواده های ...

حیاتی است. حکومت اسلامی ایران برای ترساندن مردم ممکنست این روزها به اعدامهای گسترده تر دست بزنند. اعدام هزاران نفر جوان محکوم به اعدام در ایران یکی از برنامه های جنایتکارانه این حکومت برای ترساندن مردم و پس زدن اعتراضات است. باید درست در همین روزها علیه اعدام به خیابان آمد و متحدانه و دسته جمعی به اعدامها اعتراض کرد نگذارید عزیزان شما را قربانی کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه خانواده های محکومین به اعدام چه آنها که به اتهام مواد مخدر و یا دلایل دیگر دستگیر و به اعدام محکوم شده اند و چه خانواده فعالین سیاسی محکوم به اعدام دعوت میکنند این مراسم را در برنامه های به مناسبت ده اکتبر وسیعاً شرکت کرده و کمک کنند جان تعداد بیشتری از محکومین به اعدام را نجات دهیم. این وظیفه ماست که برای نجات جان جوانان درین نجات فعالین سیاسی و معترضین به حکومت اسلامی و نجات همه محکومین به اعدام کاری بکنیم. ده اکتبر روز اعتراض به اعدامها در سراسر جهان است. این روز را به روز اعتراضی مهم علیه اعدامها در ایران تبدیل کنید. در همه جا علیه اعدامها در ایران میتینگ و حرکت اعتراضی سازمان دهید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۱۲

سازمانهای اصلی تشکیل دهنده حزب کمونیست ایران بود. با تشکیل حزب، باورها، سنت و روشهای حاشیه ای و ناسیونالیستی این سازمان نیز به درون حزب کمونیست انتقال پیدا کرد. بعد از تشکیل حزب، منصور حکمت و کادرهای سابق اتحاد مبارزان کمونیست، نقش تعیین کننده ای در نقد نگرش و سنتهای بجا مانده از گرایش ناسیونالیستی کومه له ایفا کردند. اگر قدرت و نفوذ غالب گرایش کمونیستی کارگری در حزب کمونیست نبود بدون شک ما شاهد سیر پیشرویهایی که به حزب کمونیست و کومه له اعتبار سیاسی، نظری، تئوریک و موقعیت اجتماعی چشمگیری بخشید، نبودیم. بلاخره در جریان اختلافات درون حزب کمونیست، آینده ای را که منصور حکمت برای گرایش ناسیونالیستی درون حزب پیش بینی کرد به تحقق پیوست.

در ابتدای تشکیل حزب کمونیست، ناسیونالیسم قادر به بلند کردن پرچمی نشد. سنگ اندازی و مانع تراشی یکی از سنتهای رایج گرایش ناسیونالیستی بود. افق و سیاستی را که ناسیونالیسم در حزب کمونیست قادر به پیش بردش نبود، بعد از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست، میدان را برای خود خالی دید و در شرایطی که امواج ضد کمونیستی در جهان مد شده بود فضا را برای عرض اندام خود مناسب یافت. بعد از یک دهه فعالیت در کنار جریان موسوم به خط میانه، در صدد منحل کردن حزب کمونیست و بتاراج بردن نام و اعتبار تاریخی حزب کمونیست و کومه له برآمد تا بتواند آنرا در معادلات سیاسی منطقه بعنوان دستمایه ای به معامله بگذارد. بلاخره گرایش ناسیونالیستی درون حزب کمونیست در مقطع سال ۲۰۰۰، با سنتها و شیوه های عقب مانده ای که مختص احزاب ناسیونالیست است از حزب کمونیست و کومه له انشعاب کرد. گرایش ناسیونالیستی انشعاب کرده از سازمان کردستان حزب کمونیست بعدها به چهار شاخه مجزا تقسیم شد که همگی در افق و آرمانهای به بن بست رسیده شان اهداف مشترکی

میدهد. و باج دادنش کماکان از زاویه "وحدت" و "حفظ" تشکیلات است. این موقعیت به نظر من برای آندسته از رفقای که در سرنوشت کمونیسم و انقلاب کمونیستی خود را مسئول میدانند، زیانبار است.

ایسکرا: موقعیت گرایش ناسیونالیستی، بعد از ۲ دهه از اختلافات اولیه در حزب کمونیست ایران را، امروز چگونه می بینید و چگونه ارزیابی می کنید؟

عبد گلبریان: گرایش ناسیونالیستی درون حزب کمونیست ایران تاریخی قدیمی تر از تشکیل حزب کمونیست ایران دارد. کومه له که با نام "سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران" فعالیت می کرد، علیرغم اینکه خود را جریانی چپ و کمونیست می دانست و در دفاع از مبارزات مردم کردستان در مقابل تعرض جمهوری اسلامی سازش ناپذیر و قاطع ظاهر شد اما تحت تاثیر گرایشهای اجتماعی و احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد در کردستان ایران و عراق بود. علت این امر به شرایط و موقعیت این سازمان در روند تحولات تاریخی کردستان برمی گردد. خواست خودمختاری طلبی حزب دمکرات کردستان ایران، تاثیرات افق و سیاستهای این حزب بر روند مبارزات مردم از جمهوری مهاباد به این سو، شکل گیری سازمان کومه له بر بستر فضای عمومی تر قبل از انقلاب ۵۷، باور بخشی از رهبری کومه له به ساختار اقتصادی اجتماعی جامعه ایران مبنی بر "نیمه فئودال - نیمه مستعمره" و بلاخره نزدیکی با اتحادیه میهنی کردستان عراق، آن ملقمه ای از افکار و باورهای کمونیستی چپ جهان سومی به روایت تئوریهای مائو و همزیستی با جریانات ناسیونالیست در منطقه بود که کومه له آنرا با خود حمل می کرد. خط کمونیستی درون کومه له در مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران دست بالا را داشت و گرایش ناسیونالیستی از توان و قدرتی که بتواند مانعی جدی در مقابل خط کمونیستی حزب ایجاد کند برخوردار نبود. کومه له یکی از

موقعیت گرایش "سانتر" یا میانه در حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب تحت تاثیر تقابل و ابراز وجود گرایش ناسیونالیستی و چپ و کمونیسم کارگری بود. این گرایش همچنانکه در سوال اول نسبتاً به تفصیل اشاره کردم، در دوره ای که کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران دارای هژمونی سیاسی - تشکیلاتی بود، احساس قدرت میکرد. در موضع ضعف و ناتوانی نبود. پیشروی های کمونیستی حزب کمونیست ایران را در عرصه جواب به مسائل کارگری، سیاست سازماندهی کارگران، شورا و مجمع عمومی، کار حزبی در شهرها و سازماندهی رهبران عملی، بحث های آژیتاتوسیون و آژیتاتور در میان کارگران، برگزاری مراسمهای اول ماه مه در آن سالها، مسائل جنبش زنان و جوانان را در راه تحکیم حزب را قبول میکرد. این سیاستها را در سطح سراسری پیشروی خود و حزب میدانست و کلاً مثبت و مهم ارزیابی میکرد. اما، وقتی به مسائل کردستان برخورد میکرد، با سکوت و بی نظری مواجه میشد. با انشعاب و جدائی ما از حزب کمونیست ایران، گرایش "سانتر" فاقد این موقعیت شد. و به مرور به قالب چپ سنتی برگشت. انشعابات چند سال گذشته در کومه له (سه انشعاب) بر این واقعیت تاکید دارد که در کومه له و حزب کمونیست ایران گرایش ناسیونالیستی

از موقعیت قابل توجهی برخوردار شده است. گرایش سانتر یا چپ سنتی در مقابل ناسیونالیسم کرد در موضع سازش قرار دارد. فاقد افق چپ و کمونیستی است. بطور مداوم تحت فشار گرایش ناسیونالیستی است. در یک کلام در دوره قبل از جدائی کمونیسم کارگری سانتر قدرت و هژمونی سیاسی - حزبی و یا تشکیلاتی خودش را از پیشروی های کمونیسم کارگری میگرفت. به آن اتکا میکرد. در شرایط کنونی این ستون مهم برای سانتر نمانده است و متأسفانه در مقابل تمایلات و مخالفتهای گرایش ناسیونالیستی با کمونیسم کارگری سکوت تایید آمیزی دارد. به این گرایش باج

را نمایندگی می کنند. دسته جات انشعابی از کومه له برخلاف اهدافی که قبل از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران که نقطه امید کارگر و زحمتکش کرد بود، امروز تماماً با سیاست، اهداف و پلاتفرمشان در مقابل منافع کارگران و توده های مردم کردستان قرار دارند. از روزیکه این گرایش با هویت خود پا به میدان گذاشته است مدام بر خط و سیاست از مصالحه تاکید داشته است. از نزدیکی با بخشی از جناح رژیم گرفته تا قرار گرفتن در کنار ارتجاعی ترین جریانات سنتی ناسیونالیست، تا همسویی با گرایشات مذهبی، از امید بستن به تهدیدات نظامی آمریکا گرفته تا

تلاش برای کپی برداری از سیستم فاسد، گنبدیده و ضد انسانی احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق، همگی اینها افق و امید گرایش ناسیونالیستی خارج شده از حزب کمونیست و کومه له و تلاش برای کسب موقعیتی در منطقه و از بالای سر مردم است. موقعیتی که امروز گرایش ناسیونالیستی انشعابی از کومه له در آن قرار دارد، بیست سال پیش منصور حکمت آنرا پیش بینی و مکتوب کرد. گرایش و افرادی معین که دورانی پشت سر گرایش و خط کمونیسم کارگری ناچار بودند در مقابل حزب دمکرات از منافع کارگران و از آزادی بیان و حقوق پایه

از صفحه ۳ بازخوانی تاریخ جدائی کمونیسم کارگری...

ای مردم زحمتکش دفاع کنند، اکنون این گرایش به بخشی از نیرو و دنباله حزب دمکرات کردستان ایران در دادن پلاتفرم خواست فدرالیسم و دامن زدن به تفرقه قومی تبدیل شده است.

امروز و بعد از بیش از یک دهه که از انشعاب این گرایش از کومه‌له می‌گذرد، حقانیت نقد کمونیستی کارگری به افق، سیاست و عملکرد آن بیش از پیش برای هر ناظری نمایان شده است. امید بلند پروازانه گرایش ناسیونالیستی در دهه ۹۰ میلادی به تهدیدات نظامی آمریکا و احزاب ناسیونالیست عشیره‌ای بارزانی و طالبانی که تازه بقدرت رسیده بودند بسته بود. اکنون دیگر هیچ شانس برای تحقق آمیدی در رسیدن به قدرت محلی را ندارند. بیست سال است که احزاب حاکم بر کردستان عراق که یگانه الگوی این گرایش بود، با تفرق و انزجار عمومی مردم شهرهای کردستان عراق روبرو است. فساد و گندیدگی حاکمان ناسیونالیست کردستان عراق پته هر گونه گرایش ناسیونالیستی، افق و اهداف آنان را روی آب انداخته است. دادن پلاتفرم مشترک اخیر مابین حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکش‌ان نیز تنها در میان طیفهای ناسیونالیست خارج کشوری مصرف کوتاه مدتی داشت و نتوانست بدادشان برسد. از سوی دیگر بیست سال است که جامعه کردستان ایران بشدت به چپ چرخیده است و گرایشات و سازمانهای ناسیونالیست کرد قادر به دیدن چنین تحولات رادیکال، چپ و اجتماعی نیستند و کماکان با باورهای ارتجاعی و سنتهای عقب مانده شان به آینده خود می‌نگرند. گرایش ناسیونالیستی در هیئت احزاب و سازمانهای مدافع فدرالیسم فقط می‌تواند در مقابل خواست و مبارزات رادیکال، چپ و کمونیستی جامعه مزاحمت ایجاد کند. قدرتمند شدن هر چه بیشتر چپ و کمونیسم در جامعه کردستان می‌تواند چنین مزاحمتی از سوی این گرایش را به حداقل ممکن برساند.

محمد آستگران: موقعیت هر سه این گرایشات متحول شده است. هیچکدام در آن موقعیت و حال و

هوای دو دهه پیش بسر نمیبرند. ناسیونالیستهای درون کومه‌له در آن چهارچوب تنگ باقی نماندند و حزب و سازمان خودشان را درست کرده و از گذشته خود ابراز پشیمانی کرده اند. رسما و افراطی تر از حزب دمکرات مدافع پرچم و تاریخ و سمبلهای جنبش ناسیونالیستی شده اند. اینها یعنی همان کمونیستهای سابق نه تنها ضد کمونیست شده اند، بلکه فراتر از این می‌خواهند چهره یک عده قومپرست و ضد فارس از خود ترسیم کنند و در این راستا موفقیت‌های هم به دست آورده اند. اینها هنوز دارند تلاش میکنند پرچم ناسیونالیسم کرد و تاریخ جنبش ناسیونالیستی کرد را به بخش اینتگره خود تبدیل کرده و سعی میکنند هیچ نشانه‌ای از گذشته خود که در یک حزب کمونیستی بودند را باقی نگذارند. توافق مهتدی و هجری نشان میدهد که ضد کمونیست بودنشان در بارگاه ناسیونالیسم کرد جدی گرفته شده و در صف ناسیونالیستها پذیرفته شده اند. امری که از روز اول برای مهتدی بسیار حیاتی بود و برای انجام تویه با صدای بلند، هر لجنی بسوی ما و منصور حکمت پرتاب کرد.

جناحی که به عنوان گرایش میانه از آن اسم برده میشود در جریان جدالهای درونی و بیرونی کمونیسم کارگری با ناسیونالیستهای درون کومه‌له ابتدا متحد ناسیونالیستها شد. اما به مرور زمان تا حدودی متوجه این تحولات و سیر آتی گرایشات درون کومه‌له و حزب کمونیست ایران شد. آنها که قبلا بارها تکرار کرده بودند جدال گرایشات در درون حزب کمونیست ایران بحثی روشنفکری و غیرواقعی است. فکر میکردند کمونیسم کارگری که اکثریت بالایی در درون حزب بود نباید جدا میشد. اما گذشت زمان و واقعیات سرسخت و تحولاتی که این گرایشات را بیش از پیش عینیت بخشید آنها را متوجه محدودنگری خود کرد. دیدند که ناسیونالیستهای درون کومه‌له یکی بعد از دیگر جدا شدند و دیدند که چگونه هرکدام حزب و سازمان خود را درست کرده و به دنبال اهداف خود رفتند. چنانچه اکنون نه تنها کمونیست

بودن را ننگ خود میدانند بلکه رسما و علنا ضد کمونیست بودن خود را جار میزنند. بالاخره بعد از حدود یکدهه نهایتا گرایش میانه متوجه شد که باید تکانی بخورد و در مقابل ناسیونالیستها از خود دفاع کند. همین تکان خوردن و متوجه شدن است که باعث میشود کومه‌له چپ در مقابل انواع کومه‌له های راست و ناسیونالیست زبان به انتقاد بگشاید.

اما در درون کومه‌له چپ به علت نقد ناپیگیر و محدود از گرایش ناسیونالیستی، هنوز ریشه‌های این گرایش در کومه‌له خشک نشده و در آن سازمان امکان رشد و سر بر آوردن این گرایش منتفی نشده است. گرایش میانه در توهم ادامه حیات بین دو گرایش کمونیستی و ناسیونالیستی است و همواره از این توهم ضربه خورده است. اما با این حال نقش کسی مثل رفیق ابراهیم علیزاده به عنوان نماینده رادیکالترین و چپ ترین گرایش در کومه‌له میتواند تعیین کننده باشد. با وجود او گرایشات دیگر در کومه‌له شانس اینرا ندارند که مسلط شوند و کل کومه‌له را به جهت دیگری ببرند. هر چند این احتمال وجود دارد که گرایش ناسیونالیسم کرد این بار تحت پوشش "چپ از نوع دیگر" بتواند تاثیر و نقش چپ و کمونیسم در کومه‌له را کم رنگ کند منتفی نیست. اما به دلیل محدودیتهای سیاسی و موقعیت فعلی کومه‌له عدم قاطعیت چپ آن سازمان میتواند میدان بازی گرایش ناسیونالیسم کرد تحت پوشش چپ را یک بار دیگر فراهم کند.

با این وصف در سه چهار سال اخیر ادبیات چپ و کمونیستی در محدوده معینی در کومه‌له بیش از پیش در حال برجسته شدن است. یک دلیل آن عطف توجه بخشی از کادرهای این حزب به واقعیات سرسخت بیرون از این سازمان است. در عین حال تکان خوردن کومه‌له و چپ تر شدن آن ناسیونالیستها و گرایشات غیر کمونیستی درون این سازمان را به تکاپو انداخته و تلاش میکنند مانع رشد گرایش چپ کومه‌له بشوند.

متاسفانه گرایش چپ درون کومه‌له در دوران مباحث کمونیسم

کارگری قبل و بعد از جدایی، نقش خوبی بازی نکرد بعد از یک دهه متوجه شد که چه تیری به پای خود زده است. اما حتی هنگامیکه متوجه شد صمیمانه به گذشته خود نپرداخت. هنوز در صدد است که آن گذشته را توجیه کند و این نقطه ضعفی اساسی است که چپ درون کومه‌له را میتواند ضربه پذیر کند.

اما در مورد موقعیت گرایش کمونیسم کارگری لازم است سیر تغییر و تحول اجتماعی و سازمانی این گرایش را مورد بحث و بررسی در محدوده معینی قرار بدهیم. بعد از جدایی ما از حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری شکل گرفت و بعد از مدت چهار پنج سال این حزب به بزرگترین حزب چپ ایران تبدیل شد. بعد از ریختن دیوار برلین و شکست سرمایه داری دولتی بلوک شرق که به "سوسیالیسم موجود" معروف شده بود، کل چپ جهان و طبعاً ایران هم سرگیجه گرفته بود و اکثریت قریب به اتفاق آنها به احزاب "دمکرات و سوسیال دمکرات و لیبرال و..." تبدیل شدند. در همین دوره بود که گرایش کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت حزبی تاسیس کرد که علیه تعرض وسیع و همه جانبه بورژوازی پیروز تمام قد ایستاد و با پرچم مارکس به نقد این دنیا و سیستم حاکم پرداخت. یعنی در شرایطی که همه چیزها، کمونیسم شان را به نفع "دمکراسی" که پرچم تعرض غرب به شرق بود و از این منظر تعرض به هر نوع برابری طلبی و حق خواهی در دنیا آغاز شده بود را کم رنگ میکردند و صندلی عوض میکردند، این حزب، کمونیسم و نقد سرمایه داری را نمایندگی کرد. به جرات میتوان گفت که معنای تحولات آن زمان فقط در این حزب تماما نمایندگی شد. متاسفانه ما آن دوره تنها بودیم. اما همین قدرت نقد و پیش بینی تحولات آن دوره بود که حزب را بعد از چند سالی روی نقشه سیاست ایران قرار داد. صف وسیعی از کادرهای کمونیست ایران و عراق را بر محور یک نقد مارکسیستی دور هم جمع کرد و پیششاز تعرضی بود که هیچ جریان چپیی در ایران نتوانست این نقش و یا حتی بسیار کمتر از آن را نمایندگی کند. در یک دوره برزخ ما با الهام از حقانیت

نقدهای مارکس و نشان دادن ناحق بودن سرمایه داری و مدافعین آن به جدالهای سرنوشت سازی دامن زدیم. منصور حکمت بیش از همیشه در این دوره درخشید و نقش تاریخی روشن بینی خود را ایفا کرد. همین نقش و روشن بینی سیاسی و شم سیاسی درست بود که باعث شد حزب کمونیست کارگری به جریانی بالنده و سیاسی تبدیل شود و سریعاً رشد کرد و جای امید بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم شد. اما این سرعت پیشروی و بالندگی متاسفانه با مرگ منصور حکمت دچار وقفه گردید. به دنبال این ضایعه بزرگ ما شاهد عروج گرایشی بی ریشه، شکست طلب و غیر مسئول به رهبری کورش مدرسی شدیم. یک دوره نیرو و انرژی ما صرف نقد و حاشیه‌ای کردن این گرایش شد. با جدایی بخشی از اعضا و کادرهای حزب در آن دوره که خود را حزب "حکمتیست" نامیدند، حزب ما دچار تنگناهای معینی شد. اما کسانیکه همراه کورش مدرسی شدند اگر چه عمدتاً نظرات او را قبول نداشتند ولی به دلایل دیگری او را همراهی کردند، نتوانستند ترند دیگری را شکل بدهند و همین باعث شد که نتوانند چهره کمونیسم کارگری را مخدوش کنند. اما صرف جدایی و شکلگیری یک جریان به اسم "حکمتیست" باعث شد از منظر جامعه اعتبار سیاسی و اعتماد سیاسی به حزب در جامعه ضربه بخورد. تعدادی از اعضا و سمپاتهای حزب در داخل و خارج کشور از هر دو جریان فاصله گرفتند.

با این اتفاق، حزب ما نه تنها بخشی از اعضا و کادرهایش را از دست داد رشد سریعی که در دوره منصور حکمت داشت هم کند شد. ما از این نظر ضربه خوردیم. حزب ما خونریزی کرد و بدنه‌اش به نسبت دوره های قبل ضعیف شد. اما کادرهای مارکسیست و روشن بین حزب اجازه ندادند این ویروس حزب را برای مدت طولانی دچار خودگی کند. در یک پروسه چند ساله حزب به همت کادرهای کمونیستی که کمر همت به تغییر این دنیا بسته بودند دوباره سیر رشد و نمو خود را آغاز کرد. ناگفته نماند که سیر تحولات سیاسی ایران و منطقه هم به یاری

بازخوانی تاریخ جدائی کمونیسم کارگری...

ما و تحلیل‌های ما آمد و تحولات انقلابی شمال آفریقا و خاورمیانه و آمادگی سیاسی و نظری ما فرصت مهمی به حزب و ارتقا آن داد. تمایل به حزب و ارتباط گرفتن و اعتماد کردن به حزب بعد از رکودی چند ساله دوباره آغاز شد. اکنون بدون شک میتوان گفت که موقعیت حزب در ایران و خارج کشور قابل مقایسه با هیچ جریان چپ ایرانی نیست. بویژه اعتباری که حزب در ایران کسب کرده است در هیچ دوره ای حتی دوره منصور حکمت هم به این اندازه نبوده است.

در مقابل حزب ما جریانی که به رهبری کورش مدرسی جدا شده بود و خود را "حکمتیست" میخواند، در همان اولین ماه‌های تشکیلش با تناقضهای متعددی روبرو شد. حدود یک سال بعد از جدایشان بخش قابل ملاحظه ای از کادرهای رهبری و کادرهای با سابقه این حزب متوجه نقش مخرب سیاستهای کورش مدرسی شدند. در نتیجه این رفقا بعد از مدتی به منتقدین جدی سیاستهای شکست طلبانه کورش مدرسی تبدیل شدند. این پروسه شک و تردید در میان آنها باعث شد که تعداد بسیار بیشتری بدون سر و صدا از آنها فاصله بگیرند. اما هنگامی که خط و سیاست کورش مدرسی شکست قطعی خورد و پروژه غیر مسئولانه او با شکست کامل مواجه شد، که بخش عمده کادرها و اعضا آن حزب متوجه نقش مخرب سیاستهای او شدند. آنها عملاً نه تنها سیاستهای غیر انقلابی و غیر قابل اعتماد مدرسی را به چالش طلبیدند، بلکه خود او هم فردی ناسالم و کودتاگر معرفی شد. این اقدام آخری باعث شد کورش مدرسی و چند نفری که دوروبرش مانده بودند به یک محفل تماماً بی افق و بی تاثیر تبدیل بشوند. چنانچه بود و نبود آنها در سیاست ایران و حتی در محدوده جریانات چپ کسی را متوجه خود نمیکند. نه وزنی دارند و نه حرفی برای گفتن. رفقای که این اواخر رسماً خود را از چنبره سیاستهای مدرسی رها کردند، اکنون تلاش میکنند قدم به قدم از آن خط و سیاست هر چه بیشتر فاصله بگیرند. این تحولات اگر چه

حدود هفت سال طول کشید اما در نهایت خط و سیاستی که مدرسی نمایندگی میکرد تماماً دود شد و به هوا رفت. جمعی که هنوز با مخدر سیاستهای مدرسی مسموم هستند، محفلی مالیخولیایی بیش نیستند. این فاکتور و تحولات آخر بیش از پیش موقعیت و اعتبار سیاستهای حزب ما در جامعه و در میان جنبش کمونیسم کارگری را تثبیت کرد. زیرا اگر قبلاً و در ظاهر چند جریان به اسم کمونیسم کارگری فعالیت میکردند و باید در سطح تئوری دنبال تفاوت‌های آنها میگشتید، اکنون این پروسه به یک پدیده عینی و ایژکتیو تبدیل شده است که برای هر ناظری قابل ارزیابی است. این فاکتور علاوه فاکتور نقش اجتماعی حزب در داخل و خارج ایران موقعیت حزب ما را کاملاً متفاوت از دیگران کرده است. اگر قبلاً هر کدام از این جریانات ادعای خاص خود را داشتند امروز شکست یک سیاست و خط شکست طلبانه و کودتاگرانه آن کاملاً محرز و منزوی شده است. نقطه سرخط مدرسی به پایان خط و پایان عمر سیاسی آن تبدیل شد. اکثریت بالایی از کادرهایی که سیاست خود را از مدرسی جدا کردند اکنون در مسیری قرار گرفته اند که اگر بخواهند نقشی جدی در سیاست ایران بازی کنند راهی بجز این ندارند که با اتکا به گنجینه ای که از منصور حکمت به جا مانده است، خود را از شائبه های سیاست کورش مدرسی خلاص کنند. به هر نسبتی که این رفقا از خط و سیاست مدرسی فاصله بگیرند و به سیاست و تئوریهای منصور حکمت اتکا کنند به همان نسبت ما به همدیگر نزدیک میشویم.

اما ورای این تحولات درونی، کمونیسم کارگری بطور کلی و حزب کمونیست کارگری بطور اخض دوران شکوفایی خود را اجتماعاً از چند سال قبل آغاز کرده است. اگر بخواهم موقعیت گرایش و جنبش کمونیسم کارگری را در شرایط فعلی بیان کنم میتوانم به چند فاکتور عینی اشاره کنم. در چپ ایران این تنها گرایش و جنبشی است که هم خوش بین است هم کمونیسم در ایران را نمایندگی میکند و هم حزب

و عکس و فعالیت کادرها و تعدادی از رهبران این حزب برای رسانه های معتبر بین المللی شناخته شده و سنگر غیرقابل تصرف از منظر چپ ایران را فتح کرده و اکنون این اسامی در سطح بین المللی مشهور و محبوب هستند.

این فاکتور بین المللی وقتی جایگاه واقعی خود را می یابد که آنرا در پیوستگی با محبوبیت و اعتبار این حزب در داخل ایران، رشد چشمگیر اعتبار این حزب در جنبش کارگری در ایران، و نقش منحصر به فرد این حزب در مقابله با اسلام سیاسی و علیه اعدام و سنگسار قرار دهید. فعالیت علیه حکومت اسلامی، نقد اسلام و همه مذاهب و مقابله با جنایات جنبش اسلامی و علیه سنگسار و اعدام، دفاع از حقوق پناهندگی و نقد عمیق و ریشه ای به سیستم حاکم در دنیا، این حزب را در موقعیت تاریخی معینی قرار داده است و از نظر بخش قابل توجهی از جامعه نمیتواند و نباید مثل دیگر جریانات حاشیه ای چپ به مسائل جامعه امروز نگاه کند. به نظرم با توجه به این تحولات این حزب و همه چپهای مسئول و بویژه

محکم و منسجمی برای پیش برد اهدافش را شکل داده است. هم شم سیاسی قوی دارد، هم از امکانات تاثیر گذاری بر جامعه برخوردار است. در ایران این حزب با نقد بی تخفیف سیستم سرمایه داری، مخالف کلیت جمهوری اسلامی، با مبارزه علیه اسلام سیاسی، و با مقابله با فرهنگ و سنت عقب مانده اسلامی و شرقی و با دفاع جانانه از حقوق زنان، برابری انسانها و یک زندگی مدرن و آزاد و یک دنیای بهتر شناخته میشود. امروز در ایران اسم کمونیسم کارگری و حزب چپ و کمونیسم آن جامعه را تداعی میکند. و هر کس از چپ و کمونیسم حرف بزند مخالف یا موافق اساساً حزب کمونیست کارگری را مورد خطاب قرار میدهد. شفافیت در مقابل رژیم و مقابله با جنایات و سرکوبگریهای این حکومت، مبارزه با سنگسار و اعدام و با طناب دار، نقد اسلام سیاسی و دفاع از آزادیهای بی قید و شرط با اسم و نقش سیاسی این حزب عجین شده است و غیر قابل تفکیک اند. این حزب دارای شخصیت‌های سیاسی روشن بین و قابل اتکا است و حزبی است که در بین جوانان، زنان و کارگران محبوب، خوشنام و نقطه امید آنهاست. اینها همگی دستاوردهای مهمی هستند که حزب کمونیست کارگری امروز را در یک پیوستگی تاریخ نگه داشته است.

در سطح بین المللی هنوز هیچ جریانی را نمیتوان سراغ داشت که با الیت روشنفکر پیشرو و مترقی و پیشروان جنبش کارگری که منتقد مذهب و اسلام سیاسی و ناسیونالیسم باشند مثل حزب کمونیست کارگری جوش خورده باشد. این دستاوردی است که هیچ جریان چپی در ایران نه تنها نمیتواند مدعی آن باشد، بلکه نقشی هم در این راستا برای خود قابل نیست. اگر در سطح بین المللی کسانی مانند ریچارد داوکینز و سلمان رشدی و تسلیمه نسرين، میشاییل اشیمیت سالمون و ... در مقابله با نقش مذهب در زندگی مردم و نقد جریانات اسلام سیاسی با کادرهایی از این حزب همراهی میکنند تنها میتوانند نشان از سیاستهای موثر این حزب در دوران حاضر باشد. نام

طرفداران منصور حکمت علاوه بر آنچه که امروز به دست آورده اند، باید متوجه نقش تاریخی و دوران ساز خود در آینده سیاست ایران باشند.

باید بسیار مسئولانه و با روشن بینی سیاسی محدودنگریهای مرسوم چپ سنتی و فرقه ای ایران را کنار زد و آینده و نقش دولتهای غربی و جریانات راست را دید و برای خنثی کردن آن نقشه و برنامه داشت. باید با چنگ و دندان از آینده و آلترناتیو چپ در ایران دفاع کرد. باید علیه جمهوری اسلامی و علیه تشبثات و سیاستهای دول غربی برای ساختن یک دولت و آلترناتیو دلخواه خود به جای جمهوری اسلامی ایستاد. نباید اجازه داد قدرتهای غربی امکان چلبی سازی در ایران را بیابند. بهمین دلیل امروز بسیار مهم است که کمونیسم کارگری موقعیت حساس کنونی را درک کرده و متحدانه تر در مقابله با سناریوهای ضد مردمی بایستد و یک آلترناتیو قابل اعتماد مردم را شکل بدهد.

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حق است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامين و شادی کودکانه محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. شستشوی مغزی است. با خواستهای:

تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر

- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان

- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند

- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس
از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران

بیانیه کانون دفاع از حقوق کودکان ...

از صفحه ۱

کودکان باید رعایت شود زندگی کودک باید تامین شود!

کودکان به حمایت ما نیاز دارند و هر گونه تغییر و تحول به نفع کودکان در جامعه به اقدامات ما در مقیاس جامعه بستگی دارد. تامین زندگی و رعایت حقوق کودکان باید در اولویت همه برنامه های خرد و کلان جامعه قرار گیرد هرگونه قوانین و مقرراتی که مستقیم یا غیرمستقیم زندگی کودکان را با سختی و رنج مواجه می کند باید فوراً تغییر و اجرای آن متوقف شود.

کودکان اولین قربانیان گرانی، فقر و فلاکت اقتصادی و اجتماعی، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ و خشونت به جامعه هستند. تجربه های تلخی از قربانی شدن کودکان و بهره گیری از کودکان در زمان جنگ و خشونت در تاریخ جوامع بشری وجود دارد. علاوه برآن، در دوره معاصر جنگهای ایران و عراق، جنگ خلیج و حمله آمریکا به عراق،

آزار، شکنجه و سوء استفاده قرار میگیرد، تحقیر می شوند و در تمام زندگی طعم تلخ این آزارها و حقارت را با خود دارند.

این کودکان و نوجوانان گناهی نکرده اند و نمی توانند مجرم باشند آنها تنها قربانیان شرایط وضع موجودند کسانی که از سر فقر می توانند به هر راهی کشیده شوند و مورد سوء استفاده توسط باند های مختلف قرار گیرند خرید و فروش شوند و به هر کاری وادار شوند تعرض به حقوق کودکان آزار و شکنجه و اعدام کودکان جز چشم و گوش بستن بروی واقعیات موجود جامعه نیست واقعیتهای که سیاه بر سفید بر کل حیات جامعه عیان است. حقایق موجود آمارها، گزارشات و مشاهدات از عمق این مشکلات حکایت می کند واقعیتهای تلخ اما انکار ناپذیر، کودکان قربانی وضع موجود هستند. سکوت در این رابطه جایز نیست، حقوق

افغانستان، جنگ در کشورهای آفریقایی، رواندا، صربستان، بوسنی و هرزه گوین وهم اکنون جنگ در لیبی و سوریه نمونه های بارز و مصداق های کشتار کودکان و شهروندان هستند. در این کشورها دولت های ارتجاعی و نیروهای سناریو سیاهی برای تامین منافع خویش اقدام به بمباران های وحشتناک شهرها و روستاها، گلوله باران اماکن عمومی، بمب گذاری در معابر، ترور و کشتار میکنند. دولتهای امپریالیستی و مرتجع و گروههای باند سیاهی در برابر همدیگر جبهه میگیرند و در کشتار مردم سهیم هستند. جنگ و خشونت پدیده ای غیر انسانی و ابزار تداوم حیات بشر غیرمتمدن بر بشریت متمدن است. باید در مقابل تند خوئی و شرارت بشر غیر متمدن ایستاد و جامعه را برای آسایش و امنیت کودکان و شهروندان مصون کرد. این ایستادگی تنها با نیروی متحد مردم مترقی و متمدن جامعه میسر است. جنبش دفاع از حقوق کودکان بعنوان بخشی از جنبش

بشریت مترقی و آزادی خواه علیه گسترش جنگ و شکل دادن به سناریوی سیاه در هر نقطه ای از کره خاکی و جامعه ایران است.

خواست ما خواست همه ی انسانهای آزاده و بشر دوست است. بهره مند شدن همه ی کودکان از تمامی حقوق انسانی و در خور، فارغ از جنسیت شان، نژاد شان، زبانشان و هر آنچه که دیوارهای جدایی بین انسانها می کشد. حق همه کودکان و افراد جامعه است.

خواست ما تامین فوری امنیت، مسکن و رفاه برای همه ی کودکان خیابانی و بی پناه است. خواست ما آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان برای همه ی کودکان است. خواست ما برچیدن ابزار خشونت و بهره کشی از کودکان است. خواست ما ممنوعیت حکم حبس، شلاق و اعدام برای کودکان است.

دفاع از حرمت انسانی کودکان، دفاع از حقوق کودک، تامین زندگی شایسته برای کودکان رفع

رنج و مشقت از زندگی کودکان در گرو تلاش همه ماست.

کودکان این جامعه کودکان ما هستند. نباید از کنار درد و رنج آنها بگذریم. باید برای زندگی کودکان آنها احترام قائل شویم و فرصت کودکان زیستن را از آنها نگیریم. پس بیاید باهم کوشش کنیم که شرایط بهتری برای کودکان فراهم نماییم.

کانون دفاع از حقوق کودکان
۱۶ مهرماه

کمیتته کردستان حزب به برگزارکنندگان و به فعالین دفاع از حقوق کودک که این روز مهم را برگزار کردند تبریک می گوید و دست تک این عزیزان را بگرمی می فشارد.

این تلاشهای ارزنده نشان می دهد که دفاع از حقوق کودک امری اجتماعی است.

کمیتته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۶ مهرماه

مراسم روز جهانی کودک در تهران



دوشنبه ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۹۱
مراسم روز جهانی کودک امروز ۱۶ مهرماه ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد. به ابتکار فعالین جنبش دفاع از حقوق کودکان و نهادهای اجتماعی نهادهای کودکان و نوجوانان مراسم های متنوعی به مناسبت روز جهانی کودک تدارک دیده شده بود. این مراسم ها شامل فعالیت های جمعی، نمایشگاه عکس و ایستگاه نقاشی برای کودکان و فستیوال شادی و بحث و گفتگو در مورد حقوق کودکان در مناطقی از تهران و شهرهای حومه برگزار گردید. یکی از این مراسم ها مراسم پارک بهاران تهران بود که صد ها نفر در ایستگاه نقاشی برای کودکان و نوجوانان این پارک شرکت کردند.

دبیرخانه کانون دفاع از حقوق کودکان ایران - تهران
۱۶ مهرماه ۱۳۹۱

کودکان در محل پارک ۲۸ دی سندانج واقع در آبدیر برگزار شد. در این مراسم بیش از دو هزار نفر از کودکان و خانواده هایشان شرکت کردند. این مراسم ها با ابتکار فعالین جنبش دفاع از حقوق کودکان، نهادهای مدنی، سازمان بهزیستی استان کردستان، کارگران اداره برق شهر سندانج و کانون دفاع از حقوق کودکان برگزار شده اند. در محل مراسم ها پلاکاردها و بنرهای رنگارنگ به مناسبت روز جهانی کودک و در دفاع از حقوق کودکان نصب شده بود. برگزاری روز جهانی کودک بعنوان یک سنت مدرن و اجتماعی در شهر سندانج یکی از جلوه های درخشان جنبش دفاع از حقوق کودکان است که هر ساله با روشهای مدرن و متنوعی برگزار میشود. کانون دفاع از حقوق کودکان برگزاری متنوع و باشکوه روز جهانی کودک را به همه دست اندرکاران و شرکت کننده گان و مردم شهر سندانج تبریک میگوید.

دبیرخانه کانون دفاع از حقوق کودکان - سندانج
۱۷ مهرماه ۱۳۹۱

گزارشی از مراسمهای متنوع و باشکوه روز جهانی کودک - سندانج



دوشنبه ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۹۱
مردم شهر سندانج به مناسبت روز جهانی کودک مراسم های متنوعی را برگزار کردند. این مراسم ها در قالب نمایشگاه نقاشی، ایستگاه نقاشی و رنگ آمیزی برای کودکان، جشن بادبادکها و مسابقه دوچرخه سواری و بازیهای کودکان در محلات، نمایشگاه عکس در مورد زندگی کودکان و تجمع هزاران نفری در پارک ۲۸ دی و پارک امیریه آبدیر همراه با کودکان برگزار شد. از روز ۱۳ مهرماه نمایشگاه عکس

و نقاشی در رابطه با زندگی و حقوق کودکان جهان در مرکز شهر سندانج دایر و در معرض دید همگان قرار گرفته است.
عصر روز ۱۶ مهرماه مراسمی در پارک امیریه آبدیر با ابتکار کانون دفاع از حقوق کودکان و فعالین اجتماعی برگزار شد. همچنین در محله شریف آباد و زورآباد سندانج مسابقه دوچرخه سواری برای کودکان برگزار شد. بعد از ظهر روز ۱۷ مهر ماه مراسم بادبادکها، جشن کودکان، مسابقه رباط ها برای کودکان، ایستگاه نقاشی و بازیهای شاد برای



زندگی نامه من (بخش سی و پنجم)

کسی را که از راه می رسید با فریاد و داد و بیداد به داخل ساختمان فرستاده و آنها را پشت طنابی به خط می کردند. کافی بود، سوالی بکنی و یا از روی بی دقتی چیزی از دست بیافتد، که فریاد آنها را بلند کند. من که خودبخود از هرچی پلیس بود، می ترسیدم، خودم را تا می توانستم کوچک کرده و پشت علی قايم شده بودم. سوالات روتین و معمولی بود، خوشبختانه بازهم ترکی "گاردش علی" و چند پاکت سیگار وینستون به دادمان رسید و با کمترین بهانه و اذیت از دست سرکار پلیس شکم گنده پشت میز در رفتیم و برگه امضایمان را دریافت کردیم.

تازه بعد از اینها زندگی پناهندگی به معنی واقعی کلمه شروع میشد. انتظار و گذر از مرحله ای به مرحله دیگر و بازهم انتظار بیشتر و قاطی شدن امید و نگرانی و از همه مهمتر و دردناکتر کمبود شدید مالی، زندگی پناهجویان را شکل می داد و هنوز می دهد. یکرز با خبر آمدن هیات سوتدی که ممکن است تو را هم قبول کند، امید در دلت راه پیدا می کند و شروع می کنی به رویا بافی و روز بعد با شنیدن جواب ردی تعدادی از پناهجویان، ناگهان ابرهای سیاه بر آسمان آینده تو هم ظاهر میشوند و ترس و نگرانی وجودت را در بر می گیرد. اگر رد شویم به کجا می توانیم پناه ببریم، چکار باید بکنیم؟ نکته باورمان نکنند و ما را تحویل ایران بدهند. اینهمه سال از زندان و شکنجه و اعدام و کشته شدن در جنگ در رفته ایم که حالا دست بسته تحویل جمهوری اسلامی داده شویم؟

خانه ما خیلی زود شد مرکز تجمع همه. ما از معدود خانه هائی بودیم که تلفن داشتیم و از آنجا که کسی پول نداشت از بیرون زنگ بزند، همه با خانواده هایشان در ایران قرار می گذاشتند و می آمدند خانه ما که از آنجا خانواده اشان به آنها زنگ بزند و با هم حرف بزنند. بعضیها سالها بود با خانواده اشان ارتباطی نداشتند و معمولاً اولین بار که پشت تلفن صدای مادر و پدر پیرشان را

می شنیدند، به گریه می افتادند و با صدای بلند بین گریه و خنده بریده بریده چیزهائی می گفتند. برای ما جای خوشحالی بود که می توانستیم امکاناتی فراهم کنیم که دوستانمان با خانواده اشان تماس بگیرند و خوشحال شوند. اما ارائه این خدمات به قیمت گرانی برای ما تمام میشد. معمولاً بخاطر این قرارها ما همیشه مهمان داشتیم. هرکس می آمد خانه ما و منتظر بود که بهش تلفن بزنند، برای شام یا نهار می ماند (بیشتر وقتها خود ما اصرار می کردیم) و به این ترتیب ما هر روز ناچار بودیم غیر از خودمان غذای عده بیشتری را هم تهیه کنیم که در آن شرایط پناهندگی و در حالی که هنوز هیچ جوابی از یو ان هم نداشتیم، فشار مالی سنگینی بود. علی از همان روزهای اول کاری در یک کارگاه خیاطی پیدا کرده بود که با دستمزدی بسیار نازل ساعتهاى طولانی کار می کرد. چیز زیادی نبود، صاحب کارگاه که می دانست علی خارجی است و اجازه کار ندارد به او کمتر از دیگران حقوق می داد. اما حداقل از گرسنگی نمی مردیم و می توانستیم تا قبولی یو ان خودمان را بکشانیم. بعلاوه کار کردن در آن کارگاه باعث میشد بیشتر با جامعه ترکیه آشنا شویم و دوستانی پیدا کنیم. همکاران علی اکثراً زنان و مردان کارگری بودند که در فقیرترین محلات شهر زندگی می کردند و با درآمد ناچیزشان زندگی یک خانواده پر جمعیت را می چرخاندند. یکرز چند تا از همکارهای علی مهمانی به خانه ما آمدند و وقتی شنیدند که ما با آن وضع مالی چقدر کرایه خانه می پردازیم، یکی از آنها به اسم مهمت (حس می زلم ترکی محمد باشد) به علی گفت، شنبه بیا محله ما، پدر و مادر من یک اتاق اضافه دارند که می توانی آنرا با نصف این قیمت کرایه کنی. خانم ما هم بیچاره که با محله مهمت ترسیده بودیم، باورمان نمی شد، در شهر آنکارا اینهمه فقر و فلاکت وجود داشت. گاهی وقتها اینور و آنور خانه های کوچک فقیرانه ای که ترکها به آنها می گفتند "کجه گوندلی" دیده بودم که از پشت بامهای محقرشان دود ضعیفی بلند میشد و در مقایسه با ساختمانهای بلند محلاتی که ما در آنها زندگی

بود برد و به یکی از زنها دستور داد برابمان جائی بیاورند. در همان حال مرتباً حرف می زد و از مزایای زندگی در آن محله داد سخن می داد. "اینجا همه مثل خانواده خودتان هستند. لازم نیست نگران زنت باشی، او حتی برای خرید شیر و نان هم لازم نیست بیرون برود، می تواند یکی از بچه های ما را بفرستد برایش از سر کوچه بخرند." در نهایت ادب و احترام چائیمان را خوردیم و از محبت و مهمانوازی آنها تشکر کردیم و خودمان را به سرعت به اولین اتوبوسی که ما را از آن محله دور می کرد، رساندیم. مهمت راست می گفت، کرایه آن اتاق خیلی کم بود و خانواده اش هم مهربان و با محبت بودند، اما من اصلاً نمی توانستم خودم را ببینم که در آن محیط زندگی کنم. ترجیح می دادم، نصف بیشتر حقوقمان را صرف کرایه خانه کنیم و عصرها در هفته بازارها میوه های مانده را جمع کنیم، تا اینکه در آن محله زندگی کنیم. حتی در کیچیورن (محله خودمان) که محله پت و پهن و وسیعی بود و پر بود از خانه های آپارتمانی بلند و مردمی نسبتاً متوسط در آن می زیستند، احساس می کردم در و همسایه ها با شکاکیت و از پشت پرده های توریشان به رفت و آمدهای پایان ناپذیر ما نگاه می کردند و با تعجب پیش خودشان می گفتند اینها چکاره اند.

ادامه دارد

صدای انسانیت
تلویزیون کانال جدید
صدای آرمنستان اکثریت عظیم مردم
هر شب از ساعت ۲۱:۳۵ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت

بقیه
kurd channel
صدای حق طلایی

مشخصات ماهواره:
هاتبرد ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی
اف ای سی ۵۴
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
تلفخ شماره ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۲

لطفاً کیفیت دریافت برنامہ را در طریق رایج کاور سریه ما اطلاع دهید
nctv.tamas@gmail.com

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بار دیگر دادگاهی شدند



در حالی است که شریف ساعد پناه و مظفر صالح از طریق عضویت در هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران هیچ جرمی جز تلاش برای احقاق حقوق انسانی خود و دیگر کارگران مرتکب نشده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن محاکمه شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا خواهان پایان دادن به اعمال فشار بر کارگران معترض و تعقیب قضایی آنان است و اعلام میدارد تلاش و مبارزه کارگران برای برخورداری از یک زندگی انسانی یک تلاش و مبارزه بر حق است و ما قدمی از این حقوق انسانی خود عقب نخواهیم نشست. بدون تردید محاکمه کارگرانی چون مظفر و شریف و تحت فشار قرار دادن آنان از این طریق، ذره ای از صورت مسئله تحمیل شرایط غیر انسانی بر کارگران ایران و تلاش کارگران برای دستیابی به یک زندگی انسانی را پاک نخواهد کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۵ مهر ماه ۱۳۹۱

مورد این کارگران صادر نکرد و آنان بار دیگر با همان اتهامات قبلی امروز ۱۵ مهر ماه مورد محاکمه قرار گرفتند.

در جلسه امروز دادگاه نیز هیچگونه مستنداتی به جز اتهامی واهی که اداره اطلاعات سنندج بر این کارگران وارد کرده است ارائه نشد. در این جلسه وکیل این کارگران آقای محمد قوامی با ارائه ادله های قانونی، بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران تاکید کرد و شریف و مظفر نیز از عضویت خود در اتحادیه دفاع کردند.

مامورین امنیتی اتهام واهی تبلیغ علیه نظام را بدون ارائه کمترین ادله ای بر این کارگران وارد کرده اند این

اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از گذشت نزدیک به هفت ماه از برگزاری اولین دادگاه مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه، این کارگران بار دیگر امروز ۱۵ مهر ماه و با حضور وکیل خود آقای محمد قوامی در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج مورد محاکمه قرار گرفتند. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال بازداشت از سوی نیروهای امنیتی در روز ۱۵ دی ماه ۱۳۹۰، روز ۲۹ همان ماه از زندان آزاد شدند و اولین جلسه محاکمه آنان روز ۲۵ اسفند ۱۳۹۱ برگزار شد اما دادگاه به دلیل عدم وجود مستندات دال بر تایید اتهامات آنان، هیچ حکمی در

نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!

گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردری آنها تماما حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوئیم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست.

این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۰۰
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰
Dixie Rd, Mississauga
L4WYRI
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NLV۷۴۱ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷
phone # ۱-۳۶۰-۳۲۲-۵۷۱۱
Masoud Azarnoush
Account number : ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳
wire: ABA routing # ۰۲۶۰۰۹۴۳
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB ۲L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!